

# جهان نون

شماره پنجم / اسفند ۱۳۸۸

Email: [jahanenovin@gmail.com](mailto:jahanenovin@gmail.com)

<http://jahanenovin.blogspot.com>

به مناسبت ۸ مارس ..... صفحه ۲

گزارش ۸ مارس ۱۳۵۷ ..... صفحه ۳

سازمان ها و تشکل های زنان در سال ۱۳۵۷ ..... صفحه ۸

نظرات گروه های چپ در مورد مسایل زنان ..... صفحه ۱۳

افزایش محرومیت ها و تبعیض های اجتماعی ..... صفحه ۱۵

**ویژه نامه: مرور ۸ مارس ۱۳۵۷ و مسائل زنان در آن سال**



## به مناسبت ۸ مارس

“آدمیان هستند که تاریخ خود را می سازند ولی نه آن گونه که دلشان می خواهد یا در شرایطی که خود انتخاب کرده باشند؛ بلکه در شرایط داده شده ای که میراث گذشته است و خود آنان به طور مستقیم با آن درگیرند. بارسنت همه ی نسل های گذشته با تمامی وزن خود بر مغز زندگان سنگینی می کند: حتا هنگامی که این زندگان گویی بر آن می شوند تا وجود خود و چیزها را به نحوی انقلابی دگرگون کنند و چیزی یکسره نو بیافرینند.”

(هیجدهم برومر لویی بناپارت، کارل مارکس، ترجمه باقر پرهام)

زنان ایرانی در صد ساله اخیر، همیشه نقش برجسته و تاثیر گذاری در تحولات ایران داشته اند. علی رغم فشارها، محدودیت ها و تحمل انواع و اقسام تبعیض ها، همواره تلاش کرده اند که زندگی خود و جامعه شان را تغییر دهند و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نکرده اند و طبیعتاً در جامعه ی استبدادی ایران، با شدیدترین سرکوب ها هم مواجه بوده و هستند.

یکی از درخشان ترین دوره ها در تاریخ مبارزات زنان ایران، سال های انتهایی دوره حکومت شاه و اوایل انقلاب ۵۷ بود. قبل از سال ۵۷ زنان آگاه و مبارز، در کنار مردان همرمز شان، به حیطه هایی پا گذاشتند که شجاعت، دلآوری، ثابت قدمی و ایمان شان را به بهروزی مردم اثبات می کرد. دوره ی کوتاه دو سال و نیم پس از بهمن ۵۷ تا خرداد ۶۰ (آغاز موج سهمگین سرکوب و اعدام ها) یکی از بهترین دوران های تاریخی برای ملت ایران بود. در این دو سال و نیم، به اندازه ی صد سال تلاش آگاه گرانه صورت گرفت و مردم بیشترین آزادی را در این دوره ی کوتاه تجربه کردند. مردم تشنه ی آگاهی ایران، تنها در این دوره ی کوتاه به اندازه ی صد سال خواندند و تاریخ را ورق زدند.

تعداد کتاب و نشریات چاپ شده در مقایسه با آمار امروز، قابل تصور نیست. تعداد بی سابقه ای از تشکل های صنفی، سیاسی و اجتماعی در این دوران تشکیل شد. علی رغم سرکوب هایی که مدام بیشتر و بیشتر می شد، اعتصابات و اعتراضات صنفی، سیاسی و مدنی زیادی صورت می گرفت.

اما متأسفانه این بخش زنده و پویای تاریخ مبارزات مردم ایران، به دلیل اختناق و سرکوب شدیدی که در سالهای دهه ی ۶۰ به بعد به وجود آمد، برای بسیاری از ما جوانان امروزی، ناشناخته مانده است. بیشتر نشریات، کتاب ها و منابع منتشر شده و مکتوب این دوران، سوختند و نابود

**عجیب نیست که از برخی فعالان حوزه زنان می شنویم که: “فعالان سیاسی در سال های بعد از انقلاب، به مساله زنان بی توجه بوده و خواسته های آنان را به عنوان کسانی که تحت ستم جنسیتی هستند، در نظر نگرفته اند...”**

شدند و دسترسی به اندک منابع باقی مانده بسیار سخت است. آنچه از آن دوره ی تاریخ در کتاب های رسمی به نگارش درآمده، تحریف شده و غیر واقعی است. بسیار کسانی که در آن دوران در زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فعال بودند، به جوخه های اعدام سپرده شدند و تجربیاتشان را با خود بردند.

پس عجیب نیست که از برخی فعالان حوزه ی زنان می شنویم که: “فعالان سیاسی در سال های بعد از انقلاب، به مساله زنان بی توجه بوده و خواسته های آنان را به عنوان کسانی که تحت ستم جنسیتی هستند، در نظر نگرفته اند و گویا که هیچ گاه مسایل خاص زنان از طرف آنان مطرح نشده است.” این نوع تفکر به نظر می رسد بیشتر گروه های سیاسی فعال در آن زمان را، به نوعی مقصر می داند که در مقابل فشارهای وارده بر

زنان، مانند تحمیل حجاب و ... عکس العملی نشان نداده اند؟!

برای آشنایی با تاریخ مبارزات زنان و استفاده از تجربیات بدست آمده در آن دوران، به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۰ (۱۳۸۸)، برخی از نشریات در فاصله ی ۸ مارس ۵۷ تا آخر سال ۵۸، از جمله *آیندگان و اطلاعات* را مرور می کنیم. اخبار و مقالات ۵ ماهه اول سال ۵۸ از روزنامه *آیندگان* و بقیه ی سال، از روزنامه *اطلاعات* استخراج شده است. تفاوت بسیاری میان اخبار منتشر شده در روزنامه *اطلاعات* و *آیندگان* آن سال وجود دارد. روزنامه *آیندگان*، در مرداد سال ۵۸ توقیف و نویسندگان و مسئولان آن بازداشت شدند. روزنامه *اطلاعات*، که یکی از روزنامه های رسمی است، بی وقفه تا کنون منتشر شده است.

آنچه در زیر می خوانید، گوشه ی کوچکی از فعالیت های حوزه زنان در آن دوران است. مختصری نه فقط از مسایل و مشکلات زنان در آن سال، بلکه بخش کوچکی از تلاش هایشان برای کسب آزادی و برابری واقعی و رهایی از ستم طبقاتی و جنسیتی و حفظ آن چیزهایی است که به دست آورده بودند. همین طور نشان دهنده ی میزان حساسیت و آگاهی سازمان ها و گروه های سیاسی فعال در آن دوره است؛ البته تنها بخش کوچکی که در دو روزنامه *آیندگان* و *اطلاعات* انعکاس یافته است. اما همین اندک نیز گواه خوبی بر این مدعاست که زنان و مردان آزاد و آگاه ایرانی، در هیچ زمینه ای به راحتی تسلیم فشارهای ارتجاعی حاکمان نشدند.

بی شک به دلیل کم بودن منابع، این مختصر نمی تواند گویای عظمت تلاش و مقاومت هایی باشد که در آن دوران توسط زنان و مردان آزاده و آگاه انجام شد. بسیاری از این زنان و مردان قربانی اعدام های دهه ی ۶۰ شدند.

این شماره از *جهان نوین* تقدیم می شود به خاطره ی این زنان و مردان و همین طور به زنان و مردانی که همواره به پا می خیزند و خواهان دست یابی به حقوق انسانی خود هستند.

در روزنامه **آیندگان** سال ۵۸، به طور متوسط یک روز در میان و در روزنامه **اطلاعات** آن سال، هر سه یا چهار روز، مطلب یا خبری در مورد زنان چاپ شده است. در **آیندگان**، تنوع مطالب بیشتر است: از زندگی نامه جان باختگان و مبارزان در زمان شاه، مانند شیرین فضیلت کلام، فاطمه غروی، نسرین و سیمین پنجه شاهی، فاطمه امینی و ... گرفته تا مصاحبه با زنان محروم جامعه. از خبر اعتصابات و تحصن زنان برای رسیدن به خواسته های صنفی مانند تحصن کارگران بیکار، تحصن کارآموزان قضایی تا تحصن خانواده های زندانیان سیاسی مانند حماد

و نامه های رسیده در مورد مسایل زنان و بی توجهی قانون گذاران به این مسایل بخش دیگری



از مطالب این روزنامه ها را تشکیل می دهد. روزنامه **آیندگان** ستونی دارد به نام "از میان

شیبانی و سعادت برای آزادی آنان. خبر تشکیل انجمن ها و سازمان های زنان و همچنین مقالات

مطبوعات" که مقالاتی از نشریات مختلف را منتشر کرده است و همچنین می توان اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان های مختلف را در لایه های صفحات آن دید.

ورزش زنان، جداسازی جنسیتی در مدارس، دانشگاه ها و ادارات، محدودیت شنا در ساحل دریا برای زنان، اعدام زنان به جرم روابط نامشروع، خراب کردن قلعه شهر نو و نابسامانی وضعیت زنان تن فروش ساکن آنجا نیز، از جمله خبرهایی است که در مورد آن، مطالبی در روزنامه های آن روزها منتشر می شد.

## گزارش ۸ مارس ۱۳۵۷

اسفند ۵۷ اولین مراسم روز جهانی زن در ایران بعد از انقلاب، با شعار مخالفت با حجاب اجباری برگزار شد.

هدیه اولین روز زن در ایران پس از انقلاب، دستور رعایت حجاب در محل های کار و دانشگاه ها و مدارس بود که عکس العمل های بسیاری را به دنبال داشت.

### نظرات آیت ... خمینی در مصاحبه با داماد وی

در روز ۱۷ اسفند حجت الاسلام اشراقی داماد آیت ... خمینی طی مصاحبه ای نظرات وی را مطرح کرد:

\*\*\*

**سوال:** امروز پیرو پیام امام که فرموده بودند که از فردا باید بانوان با حجاب اسلامی در وزارتخانه ها حاضر شوند، متاسفانه عده ای تندرو با شدت عمل از بانوان بی حجاب و اقلیت های مذهبی خواسته اند که از فردا حتما باید چادر سرشان کنند والا با شدت عمل مردم مواجه می

شوند. خواهشمند است بفرمایید نظر امام به این شدیدی بوده و یا اینکه اصولا ایشان نظر دیگری داشتند.

**جواب:** من امیدوارم که این حرف درست نباشد که با شدت عمل، مردم بخواهند نهی از منکر کنند. اما آنچه خواست امام است، این است. خلاصه باید حجاب اسلامی رواج پیدا کند. البته در سطح مقداری از وزارت خانه ها، ادارات، حتما دانشگاه ها و مدارس و دبیرستان ها، بایستی توجیه بشود که خانم ها رعایت حجاب اسلامی را بکنند. و معنای حجاب اسلامی هم چادر نیست... چه بهتر که مردم حتما المقدور سعی کنند که رعایت موازین اسلامی را بکنند و خانم ها را نصیحت کنند و تشویق کنند و تذکر دهند به حجاب اسلامی و از طرف دیگر خانم ها هم باید این حکم اسلامی را خودشان اجرا کنند...

انشاء... حجاب اسلامی در سطح مملکت پیاده شود و این شرافت خانم هاست، کرامت خانم هاست. در مورد اقلیت های مذهبی هم البته آنها هم اگر رعایت حجاب اسلامی را بکنند، برای اینکه معلوم نیست که این خانم مسلمان است یا

غیرمسلمان، البته بهتر است. بنابر این خواست امام خمینی این است که حجاب اسلامی باید در مملکت رعایت شود و...

\*\*\*

خبر حمله به زنان و آزار و اذیت های آنان، کمتر در روزنامه ی اطلاعات به چاپ رسیده است. اما واکنش های مقامات و مصاحبه های آنان و اطلاعاتی ی دادستانی نشان می دهد که این گونه حملات مساله ساز بوده است. زنان نیز با تمام قوا در مقابل حجاب اجباری مقاومت کرده و بارها و بارها مورد تعدی و آزار قرار گرفتند.

\*\*\*

از ابتدای اسفند ماه، کمیته های متعددی برای برگزاری مراسم روز جهانی زن تشکیل شد. برنامه های ۵ شنبه ۱۷ اسفند ۵۷ با شعار مخالفت با حجاب اجباری در مراکز مختلف برگزار شد.

### بزرگداشت روز زن در دانشگاه تهران

صبح آن روز هزارها زن و مرد، در آمفی تاتر هنرهای زیبای دانشگاه تهران و محوطه دانشگاه،

گرد هم جمع شدند. ابتدا شرکت کنندگان سرودی خواندند و سپس با دادن شعارهای "اتحاد، مبارزه، آزادی" با مشت های گره کرده، یک صدا با سر دادن شعار "مرگ بر استبداد" خواهان مزد مساوی در برابر کار مساوی شدند.

آنگاه یک زن کارگر در مقابل جمعیت انبوهی که در آمفی تاتر جمع شده بودند، در مورد آزادی زنان سخنرانی کرد.

سپس هزاران نفر از دختران دانشجو و دانش آموز و زنانی که پشت درهای دانشگاه

جمع شده بودند، به راهپیمایی پرداختند و با هم و یک صدا می گفتند "در این انقلاب زن و مرد شهید شدند بنابراین هر دو باید آزاد باشند".

در دانشکده فنی نیز گروه زیادی از زنان و مردان و دختران گرد آمده بودند. یکی از خانم های عضو کمیته برگزاری روز جهانی زن، سخنرانی کرد و یک زن به

نماینده‌گی از جانب کمیته و یک زن کارگر سخن گفتند. پس از این جلسه نیز راهپیمایی شروع شد.

حدود ساعت ۱۱ صبح بر تعداد زنانی که در دانشگاه حضور داشتند، افزوده می شد. گروهی از مردان نیز به طرفداری از آنان شعار می دادند. شعار زنان این بود: "می جنگیم علیه حجاب اجباری"، گروهی از مردان نیز در بیرون از دانشگاه در مخالفت با این زنان شعار می دادند: "ای زن به تو این گونه خطاب است/ بهترین زینت زن حفظ حجاب است".

### مراسم بزرگداشت روز جهانی زن در استادیوم نصیری

بعد از ظهر روز ۵ شنبه ۱۷ اسفند، مراسم روز جهانی زن با پیام سازمان مجاهدین خلق در استادیوم نصیری برگزار شد. در این مراسم که

توسط کمیته برگزاری روز جهانی زن برپا شده بود، ۱۲ تن از زنان ایرانی، عرب، فرانسوی و امریکایی به نوبت پیرامون اهمیت روز جهانی زن سخن گفتند و پیام سازمان چریک های فدایی خلق به مناسب این روز قرائت شد. نقطه نظر اساسی سخنرانان این بود که نباید نوع به خصوصی از لباس را به زنان تحمیل کرد. شرکت کنندگان در این مراسم خواستار اجرای موارد زیر شدند:

### اطلاعیه دفتر آیت ا... خمینی

به دنبال خبرهای مربوط به حجاب و اعتراض و اظهار نظرهای گروه های مختلف، اطلاعیه ای از جانب دفتر آیت ا... خمینی صادر شد:

"بر اساس خبرهای رسیده، گروهی جنایت کار و خیانت پیشه، تحت عنوان کمیته، مزاحم بانوان محترم شده و به ایشان توهین می کنند. ماموران کمیته های انقلاب موظفند با کمال دقت، مراقب باشند چنین اعمالی را با نهایت شدت جلوگیری کنند".

### اجتماع زنان در دادگستری

در ۱۹ اسفند عده ی زیادی که اکثریت آنان را زنان تشکیل می دادند، به منظور اعلام نظر خود در مورد حجاب در محوطه دادگستری اجتماع

کردند. این گروه ها عبارت بودند از:

تعدادی از زنان وکیل، جمعیت حقوق دانان، کارمندان شرکت هواپیمایی ایران، دانش جویان، دانش آموزان، هنرجویان موسیقی، کارکنان وزارت دادگستری، عده ای از دبیران دبیرستان های تهران و گروه های دیگر.

عده ای از دانش آموزانی که قصد پیوستن به این گروه را داشتند، درخیابان تخت جمشید (طالقانی) روبروی شرکت نفت، توسط گروهی از مخالفان متفرق شدند. شعارهایی که توسط جمعیت داده می شد:

"حجاب باید در فطرت زن باشد"، "می جنگیم می جنگیم بر ضد استبداد"، "استقلال، مساوات، آزادی"، "زن مرد کشته شدند/ هر دو باید آزاد باشند".

گزارش دیگری حاکی است که گروهی از میهمان داران زن و کادر زن هواپیمایی ملی ایران نیز، آن

۱- برابری و

تساوی حقوق زن و مرد  
۲- تامین رفاه زنان کارگر و برابری کارمزد زنان کارگر با مردان کارگر

۳- تامین آزادی سیاسی و برخوردارگی کامل از حقوق رفاهی و اجتماعی و سیاسی زنان.

### بیانیه سازمان ملی دانشگاهیان

این سازمان به مناسبت ۱۷ اسفند بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه آمده بود که:

"... زنان باید موضوع هیچ گونه تبعیضی قرار نگیرند و از آزادی واقعی و حقوق اجتماعی و امکان رشد و شکوفایی همه ی استعدادهای خود برخوردار شوند. انتخاب نوع پوشاک، از ابتدایی ترین حقوق فرد است و هم چنان که شیوه ی تحمیلی کشف حجاب، نتایج زیانباری به همراه داشت، تحمیل حجاب نیز در جهت نفی آزادی های فردی و تهدیدی بر ایمنی اجتماعی است."



روز صبح به سوی دانشگاه تهران حرکت نموده و در آنجا به عنوان اعلام همبستگی با سایر گروه های تظاهر کننده زنان، تجمع کردند و خواستار انجام خواسته های خود شدند. همچنین جمعی از کارمندان زن رادیو و تلویزیون، در محل سازمان واقع در خیابان جام جم، گرد آمدند تا به سوی کاخ دادگستری حرکت کنند.

روز ۵ شنبه به دنبال تظاهرات زنان، که برای اعلام نظرشان در مورد مساله حجاب برپا شده بود، دسته بزرگی از زنان به طرف دادگستری به راه افتادند. در میان راه، گروهی از مخالفان با توسل به خشونت، راه را بر زنان

بستند که با دخالت ماموران، برخورد پایان گرفت. گروه های بانوان به مقابل نخست وزیری رسیدند که آنجا نیز گروهی در صدد برخورد و درگیری با زنان برآمدند که چند تیر هوایی هم شلیک شد.

روز جمعه نیز زنان برای اعلام نظر خود در مورد مساله حجاب در دانشگاه گرد آمدند. در پایان این راهپیمایی، هنگام سوار شدن به اتوبوس، توسط مخالفین با سنگ و گلوله برف و ضربات مشت مورد هجوم قرار گرفتند. طبق یک گزارش، اتومبیلی قصد راندن به میان جمعیت داشت که از این کار جلوگیری شد. صبح آن روز، گروهی از مردان که مخالف اجتماع زنان بودند، در مقابل دادگستری اجتماع کردند. آنان در حالی که به نفع حجاب شعار می دادند، قصد داشتند وارد دادگستری شوند که از ورود آنان جلوگیری شد. در تجمع دادگستری، قطعنامه ای خوانده شد و زنان تجمع کننده، خواسته های خود را به شرح زیر اعلام کردند:

۱- پوشش متعارف زنان، باید با توجه به عرف و

عادت و اقتضای محیط، به تشخیص خود آنان واگذار شود.

۲- حق برخورداری از حقوق مساوی با مردان، از حقوق مدنی برای زنان کشور شناخته شده و هرگونه تبعیضی در این قانون و قوانین مربوط به حقوق خانواده، از میان برداشته شود.

۳- حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زنان، بدون هیچ تبعیضی حفظ و تامین گردد.

۴- امنیت کامل زنان در استفاده از حقوق و آزادی های قانونی تضمین شود.

۵- برخورداری واقعی از آزادی



های سیاسی، آزادی قلم و بیان و عقیده و آزادی شغل و اجتماعات، برای زنان و مردان کشور تضمین گردد.

۶- هر نوع نابرابری بین زن و مرد در قوانین موضوعه، مرتفع شود

### ۲۰ اسفند ۱۳۵۷

سازمان چریک های فدایی خلق، اعلامیه ای در باره عکس العمل عناصر مرتجع و ضد انقلاب در برابر خواست های زنان صادر کرد. در این اعلامیه گفته شده بود:

“خواهران ما دوشادوش برادران شان برای استقلال میهن و گسستن بندهای اسارت جنگیدند و امروز نیز باید سرنگونی رژیم را با شرکت هر چه فعال تر خود جشن بگیرند. هیچ کس به هیچ بهانه ای نباید و نمی تواند از شرکت فعال زنان در همه ی شئون اجتماعی جلوگیری کند. زنان نیمی

از نیروی جامعه اند و بدون شرکت فعال زنان در انقلاب و در مبارزات اجتماعی، محو کامل سلطه ی امپریالیسم و نابودی استثمار غیر ممکن است. از همین روست که ارتجاع داخلی، در گذشته کوشیده است به هر بهانه ای زنان را از شرکت در مبارزات اجتماعی دور نگهدارد و با بندهای پوسیده ی سنتی، آنان را در چارچوب افکار قرون وسطایی محبوس کند و میدان فعالیت آنان را در اندرونی ها و چار دیواری خانه ها محدود نماید. ما توجه همه کسانی را که زن را ضعیف تر از مرد می پندارند، به

مبارزات ده ساله جنبش های انقلابی ایران جلب می کنیم. خواهران ما دوشادوش برادران خود، چه در میدان نبرد با دشمن، چه در شکنجه

گاه های دژخیمان و چه در کنار چوبه

های اعدام، همه جا حماسه آفریدند...

زنان نه برتر از مردان و نه کمتر از آنها، بلکه کاملاً برابر با مردانند.

رفتار ضد انقلابی مرتجعانی که امروز، به هتک حرمت زنان پرداخته اند و روز دیگر، به نمایشگاه عکس شهدای خلق حمله می کنند، تنها به سود دشمنان ایران تمام می شود.

آنکه به بهانه چادر و روسری، در کوچه و خیابان به خواهران بی دفاع ما حمله می کند، آنکه در پناه مذهب، به رکیک ترین دشنام ها، خواهران ما را در کوچه و خیابان شکنجه می کند، آنکه می خواهد هر گونه فعالیت سیاسی را با دیدگاه قشری خود بسنجد و به ستادها و دفاتر کار سازمان های سیاسی هجوم می برد و آنکه در خیابان با شعار (یا روسری یا توسری) به زنان توهین می کند، جز مرتجع ضد انقلابی چه نام دارد؟

چنین کسانی دانسته یا ندانسته، آلت دست امپریالیسم و ارتجاع داخلی هستند و باید به شدیدترین وجه مجازات شوند.

اعلام می داریم که اگر از جانب دولت، برخوردی جدی و توأم با مسوولیت نسبت به این گونه تحریکات ضد انقلابی نشود، اگر برای دستگیری و مجازات فوری عناصر ضد مردمی، اقدام قاطع به عمل نیاید، بیم آن می رود که این بار، عناصر مزدور دشمن در پناه دفاع از مذهب، در چهره این گونه عناصر مرتجع ظاهر شوند و زمینه را برای تدارک ضد انقلاب فراهم کنند.

### نظر آیت ... طالقانی در مورد حجاب

آیت الله طالقانی در مصاحبه ای، نظر خود را در مورد حجاب بیان کرد:

“حجاب به معنای عاقل و نه مخصوص به چادر و وضع خاص، یعنی حفظ عفاف و حفظ وقار و شخصیت زن...”

اشتباه می کنند خانم های ما، که (می پندارند) اگر یک روسری روی سرشان بگذارند این از حیثیت آنها کم خواهد شد و از شخصیت شان کاسته خواهد شد...

این حجاب ساخته من و فقیه و اینها نیست، نص صریح قرآن است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه. مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند؟ نه. به شرطی که در راه خدمت باشد. ما، اسلام، قرآن و مراجع دینی می خواهند زنان ما شخصیت شان حفظ شود و اصل مساله این است که هیچ اجباری در کار نیست و مساله چادر هم نیست.”

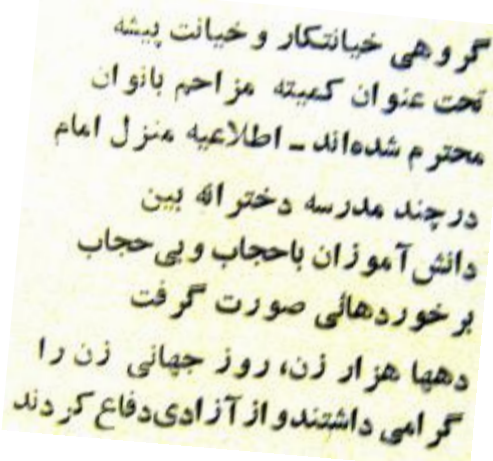
### ۲۱ اسفند ۱۳۵۷

مراسم راه پیمایی زنان در مخالفت با تحمیل حجاب اجباری، که قرار بود از محل دانشگاه تهران به سوی میدان آزادی انجام شود، متفی شد. از صبح آن روز، گروه های مختلف زنان که مخالف تحمیل حجاب بودند، به منظور راهپیمایی در دانشگاه تهران اجتماع کردند. در این اجتماع چند هزار نفری، چند تن از زنان سخنران اظهار

داشتند که “چون به نکات مورد نظر خود در مورد لغو تحمیل حجاب دست یافتیم، دلیلی ندارد که راه پیمایی انجام شود.”

تعدادی از مردان، که در گوشه ای از این جمعیت جمع شده بودند، با دادن شعار، قصد برهم زدن تجمع را داشتند که با وساطت عده ای از خانم ها و آقایان، مساله خاتمه یافت.

در این مراسم عده ای از خانم های شاغل در وزارت امور خارجه و بهداری و بهزیستی و گروهی از دختران دانش آموز دبیرستان های خجسته، اندیشه قاسمی، نیک اندیش دریای نور، دانشگاه فنی، انوشیروان دادگر، دانشجویان و



کارکنان دانشگاه ملی، کارکنان شرکت ایز ایران، برق، شهرداری پایتخت، مدرسه عالی بیمه و انیستیتو مریم شرکت داشتند. در این اجتماع گفته شد که مساله فعلی ما، مساله حجاب نیست، بلکه مساله آزادی فردی و اجتماعی است.

در تبریز نیز دختران دانش آموز و دانشجو و زنان شاغل در ادارات و کارخانجات تبریز، به منظور اعتراض به استفاده از حجاب اجباری، در مقابل ساختمان دبیرستان پروین تبریز اجتماع کرده بودند و قصد راه پیمایی داشتند که عده ای از راه پیمایی آنان جلوگیری کرده و چند تیر هوایی هم شلیک شد. در بندر عباس نیز، گروه کثیری از بانوان شاغل، در مخالفت با حجاب اجباری، در خیابان های این شهر راه پیمایی و تظاهرات کردند.

در یک کنفرانس مطبوعاتی، سخنگوی چریک های فدایی خلق در کنار مسایل دیگر، حمله کردن

به زنان، برهم زدن اجتماعات و مجروح و مضروب کردن تظاهرکنندگان را، حاکی از نقض حقوق اساسی مردم دانسته که این تحریکات را به مزدوران رژیم سابق و یا عناصر متعصب و افراطی نسبت داد.

### اطلاعیه دادستانی

حمله به زنان بی حجاب، آنقدر گسترده و وحشیانه صورت می گرفت که دادستانی تهران مجبور شد اطلاعیه ای در این مورد بدهد و اعلام کند “هرکس به هر عنوان و بهانه، اعم از نحوه لباس پوشیدن و غیر آن، متعرض یا مزاحم بانوان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون، به حیثیت آنان توهین کنند، طبق قانون مصوب ۱۳۳۶ تعقیب و مجازات می شود.”

### زنان حقوقدان از آیات عظام و مهندس

#### بازرگان سپاس گذاری کردند

از سوی قضات و وکلای زن دادگستری، بیانیه ای در مورد حجاب زنان و لزوم پرداختن به سایر مسایل مملکتی انتشار یافت. در این بیانیه گفته شده بود:

“زنان حقوقدان در کنار کلیه خواهران هموطن، که در گرد هم آبی روز شنبه ۱۳۵۷/۱۲/۱۹ در وزارت دادگستری، صدای حق طلبانه خود را بلند نمودند و طی قطعنامه صادره، خواسته های خود را اعلام داشته اند، از حضرات آیات عظام و دولت موقت جناب آقای بازرگان، که با درایت سیاسی و انقلابی خود، عدم اجباری بودن حجاب را اعلام نمودند، سپاس گذاری می نمایم. همگان امیدواریم در سایه انقلاب شکوهمند ملت، (کمبودهای ناشی از) نابرابری های مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان ایران، به بهترین نحو ممکن تامین شود.

### نامه چریک های فدایی خلق به مهندس

#### بازرگان

سازمان چریک های فدایی خلق طی نامه

سرگشاده ای به مهندس بازرگان، با اشاره به وقایع آن روزها، مثل حمله به زنان، حمله به کارگران و حمله به اجتماعات و مراکز و سازمان های سیاسی، خواهان دستگیری و مجازات مسببین و محرکان اصلی آن وقایع اخیر شد. هم چنین از دولت سوال شد که برای جلوگیری از تکرار این اعمال ضد مردمی و تضمین آزادی های فردی و اجتماعی، چه اقداماتی به عمل خواهد آورد.

### تظاهرات و راه پیمایی زنان در تهران

۲۱ اسفند، در پی تظاهرات چند روزه اخیر زنان کشور، گروه های دیگری از زنان در تظاهرات و راه پیمایی هایی شرکت کردند. تظاهرات زنان در محوطه دانشگاه تهران، تا حدود ظهر ادامه داشت و طی آن، سخنانی درباره نقش اجتماعی زنان، مسایل و مشکلاتی که در آن روزها با آن درگیر بودند و نیز مساله حجاب، از سوی نمایندگان گروه های مختلف زنان ایراد شد.

در آن گرد هم آیی، عده بسیاری از مردان موافق و مخالف با حجاب، حضور داشتند که عده ای از آنها شعار می دادند: "مساله حجاب نیست/ توطئه امریکاست".

از سوی دیگر، گروهی از دختران دانش آموز دبیرستان ها، در حال راهپیمایی شعار می دادند: "مساله حجاب نیست / مساله اعدام است". "چریک مبارز آزاد باید گردد".

جمعیت زنان و اتحادیه انقلابی زنان مبارز، که در جهت هماهنگی این دو سازمان و تاکید بر از بین رفتن استثمار طبقاتی می کوشیدند، در دانشگاه صنعتی، هم زمان با تظاهرات بانوان، با انتشار پرسش نامه هایی، به عضو گیری پرداختند.

هم چنین صبح آن روز، هزاران نفر از زنان، به یک راه پیمایی به سوی میدان آزادی دست زدند که تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت. آنها در حالی که توسط حلقه ای از مردان محافظت می شدند، شعار می دادند:

"آزادی فرهنگ/ خاموش بودن ننگ"، "مرگ بر ساواکی"، "مرگ بر سانسورچی".

به دنبال تظاهر کنندگان زن، عده ی بسیاری از مردان حرکت می کردند که شعار می دادند:

"ساواکی، منافق/ پیوندتان ننگ باد"، "بی حجاب، کمونیست/ طرفدار کارگر نمی شه".

زنان در میدان آزادی، به علت تهاجم این عده نتوانستند سخنرانی کنند، از این رو به سوی میدان ۲۴ اسفند (انقلاب) به راه افتادند و به تدریج پراکنده شدند.

همچنین عده ای از زنان تظاهرکننده، پس از خارج شدن از دانشگاه، به سوی ساختمان تلویزیون در جام جم حرکت



کردند. این عده ۵۰

نفری، در حالی که کفش های شان را به عنوان اعتراض در آورده بودند، در مقابل ساختمان تلویزیون، با افراد همافر محافظین تلویزیون روبرو شدند و بر زمین نشستند، در حالی که شعار می دادند:

"آزادی، استقلال، جمهوری مردمی"، "مرگ بر سانسور"، "اتحاد، برابری، پیروزی"، "مرگ بر سانسورچی".

این تظاهرات تا حدود ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه داشت، درحالی که بین دو گروه از زنان موافق و مخالف حجاب، برخورد های شدیدی پیش آمد.

### پیرامون مساله حجاب، جنجال بی جهت بر نیانگیزید

۲۱ اسفند ۱۳۵۸، سازمان مجاهدین خلق ایران، در ارتباط با مساله حجاب، بیانیه ای صادر کرد. در ابتدای بیانیه، در مورد انقلاب و آزادی که کسب

گردیده، صحبت شد و تاکید گردید که "اگر آزادی به تمامی حاصل نشود، مخدوش و قابل بازگشت است و اگر آزادی را پاس نداریم و بر آن ارج ننهیم، آن را از ما خواهند ربود".

در ادامه، بحث اصلی و فرعی کردن مشکلات و اجتناب از خرده کاری و فشرده کردن همه ی نیروهای مردمی و از میان برداشتن پایگاه داخلی امپریالیسم، عنوان شده بود. آنگاه در این بیانیه آمده بود:

"درگیری هایی که تمام این روزها، در مورد مساله حجاب ایجاد شده... حجاب به عنوان یک نهاد انقلابی اسلام، فی الواقع چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه، که خود بدون شک از ضروریات رشد همه جانبه ی معنوی و مادی اجتماع است..."

حجاب برای زنان این میهن، آن هم در جامعه ای که تازه می خواهد نظم فاسد و منحط آریامهری را، که در آن هیچ مرزی بین آزادی و بی بند و باری وجود نداشت، پشت سر بگذارد، نامعقول و نامقبول است،

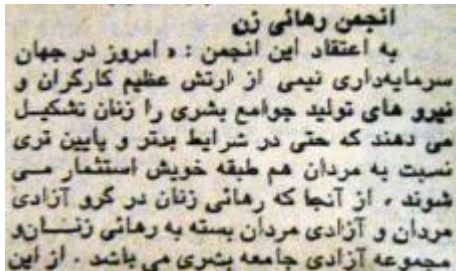
چرا که بار گران فرهنگ امپریالیستی را، هرگز نمی توان به یک باره و جدا از جریان دراز مدت تدریجی، از دوش مردم این میهن، چه زن و چه مرد، فرو نهاد.

خوشبختانه تا آنجا که ما می دانیم و مواضع اعلام شده ی کلیه ی مسولین کشور و مقامات دولت آقای مهندس بازرگان موید آن است، هیچ مقام و نیروی مسئولی نیز، قصد ندارد برای جامعه ی زنان ما، کمترین اجبار و اشکالی در این رابطه ایجاد کند و اگر هم برخی برخوردهای غیر اصولی دیده شده باشد، از طرف عناصر ناآگاه و یا احیاناً افراد مشکوک و عناصر ضد انقلاب اعمال شده و توطئه چینی شده است."

و در انتهای بیانیه آمده بود: "این تاکید از آن جهت ضروری است که مبدا پیرامون مساله ای که اکنون کاملاً حل شده به نظر می رسد، جنجالی بی جهت برانگیخته شده و با دنبال گیری یک مساله ی فرعی، از مساله اصلی غافل بمانیم..."

## سازمان ها و تشکل های زنان در سال ۱۳۵۷

“جمعیت زنان مبارز، تشکیلاتی است در خدمت زنان زحمتکش و مبارز ایرانی. به هیچ گروه و



حزب داخلی یا خارجی وابستگی ندارد. این تشکیلات، دموکراتیک، ضد امپریالیستی و مردمی می باشد. جمعیت از نظر مادی و مالی، متکی به حق عضویت اعضای خود و برنامه های مالی، از قبیل فروش جزوات و نشریات و ... می باشد. برادران هم‌رزم ما می توانند به عنوان همکار جمعیت، در ارتباط با فعالیت های جمعیت قرار گیرند.

اساس فعالیت های جمعیت، آموزش و مددکاری به زنان زحمتکش ایرانی، برای ارتقای سطح آگاهی خود و درگیر شدن شان در مبارزات ضد امپریالیستی و متشکل شدن برای احقاق حقوق حقه توده های زحمتکش و ستمدیده زنان و هم پایی با مبارزات سایر قشرها و طبقات مترقی جامعه می باشد.”

به اعتقاد این جمعیت، زنان بدون رهایی جامعه



آزاد نمی شوند و جامعه بدون رهایی زنان. خواست های عمومی، به نظر این جمعیت، به طور خلاصه عبارتند از:

“تشکیل یک جمهوری دموکراتیک خلق بر اساس آزادی کامل جمعیت های سیاسی، تشکیل

ایران بود که در سال ۵۷ با هدف همراهی با شرایط انقلابی، کار خود را ادامه داد.

### انجمن رهایی زن

این انجمن نشریه ای به نام “رهایی زن” منتشر می کرد. ۱۶ مرداد، انجمن رهایی زن به عنوان اعتراض به شرایط غیر دموکراتیک، در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت نکرد. انجمن طی بیانیه ای، عدم مخالفت دولت با شرکت کاندیداهای مترقی در انتخابات را، تنها سرپوشی بر اقدامات غیر اصولی دولت در نحوه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان می دانست.

در ۱۷ تیر، مقاله ای از نشریه رهایی با عنوان “ستاره داوود آقای میناچی” در مورد لایحه ی مطبوعات به چاپ رسیده است.

### جمعیت زنان مبارز

این جمعیت در اوایل اسفندماه ۱۳۵۷ طی اعلامیه ای موجودیت خود را اعلام کرد. اهداف این جمعیت به طور خلاصه عبارت بود از:

۱- مبارزه پی گیر و بی امان علیه امپریالیست ها، بقایای ارتجاع داخلی تا ریشه کن کردن قطعی استعمار و استبداد و بدست آوردن استقلال و آزادی واقعی

۲- پشتیبانی بی دریغ و فعال از خواسته های ضروری به حق کارگران و زحمت کشان

۳- آشنا و آگاه نمودن زنان به حقوق دموکراتیک خویش و وظایف شان در قبال خلق و میهن

۴- مبارزه برای احقاق حقوق دموکراتیک زنان که از جانب دولت، کارفرما یا دیگر موسسات و نهادهای اجتماعی ضایع شده باشد

۵- مبارزه علیه فرهنگ پوسیده و مبتذل استعماری و ارتجاعی رژیم فاسد و سرسپرده گذشته، که از طرق مختلف به زنان ستمدیده ایران تحمیل شده است.

این جمعیت نشریه ای به نام “زن مبارز” منتشر می کرد. در شماره دوم نشریه چنین آمده بود:

تشکل ها و سازمان های زنان بسیاری پس از انقلاب ۵۷ تشکیل شدند. تقریباً تمام گروه ها، احزاب و سازمان های سیاسی نیز، بخش زنان داشته و یا سازمان مستقلی را که در رابطه با مسایل زنان بود، در کنار خود داشتند. تشکل های صنفی بسیاری نیز توسط زنان تشکیل شد. تقریباً تمام این تشکل ها، نشریه ای جداگانه داشتند و در مورد مسایل زنان و سایر مسایل روز موضع می گرفتند. تاسیس برخی از این سازمان ها، به سال های قبل از ۵۷ برمی گردد. این سازمان ها هم، در سال ۵۷ فعالیت های خود را دوباره از سر گرفتند.

از جمله تشکل های صنفی، می توانیم به سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران، انجمن بهیاران ایران، اتحادیه زنان قاضی ایران و ... اشاره کنیم.



### سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران

در دهم خرداد، سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران اعلام موجودیت کرد.

در مرانامه این سازمان، آمده است که سازمانی است ملی و مستقل و به هیچ گروه و جمعیت سیاسی و غیر سیاسی وابسته نیست. شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران برای برقرار حکمیت ملی و دموکراسی واقعی و کوشش برای ایجاد و توسعه ارتباط منطقی بین پرستار و بیمار بر مبنای انتخابات آزاد و دموکراتیک، از موارد ذکر شده در مرام نامه است.

### اتحادیه زنان حقوق دان

این اتحادیه ۱۵ سال پیش از انقلاب تاسیس شد و وابسته به اتحادیه ی بین المللی زنان حقوقدان



شوراهای کارگری، برچیدن تمامی موسسات و شرکت های غارتگر دولت سابق، تشکیل انجمن های دهقانان، آزادی و حقوق متساوی برای تمامی خلق های ایران، تشکیل دادگاه علنی و محلی با شرکت نمایندگان مردم جهت به کیفر رسانیدن تمام جانیان سابق”

### اتحادیه زنان مبارز

این اتحادیه در سوم بهمن ۵۷ اعلام موجودیت کرد و خود را چنین معرفی نمود: اتحادیه زنان مبارز، سازمانی است در برگیرنده زنان زحمت کش، اعم از کارگر (منظور کارگر کارخانه، کارگاه، خدمه بیمارستان ها و مدارس، خدمه منازل و ادارات) دهقان و زنان خانه دار محروم، کارمند، دانشجو و کلیه زنان مبارز.

این سازمان ضدامپریالیستی، دموکراتیک و علنی است و وابسته به هیچ سازمان سیاسی نبوده و کاملاً مستقل است و مبارزات صنفی - سیاسی زنان را برای احقاق حقوق از دست رفته و کسب حقوق انسانی شان، هدف قرار داده است.

این سازمان بر اساس مرکزیت دموکراتیک استوار است و دارای ایدئولوژی خاصی نیست و هر کس با هر ایدئولوژی، به شرط اینکه برنامه و اساسنامه اتحادیه را بپذیرد، می تواند عضو شود.

هدف اتحادیه، حل اختلاف بین زنان و مردان طبقه استثمارگر نیست، بلکه مبارزات ما، درست بر علیه این طبقات، از زن و مرد و اربابان امپریالیست شان است. ما معتقدیم که آزادی زنان ایران، جدا از آزادی مردان نیست و این آزادی در گرو قطع دست کلیه امپریالیست ها از ایران است.

در نشریه شماره ۳ اتحادیه چنین می خوانیم:

“ما به عنوان اتحادیه زنان مبارز، خواهان برقراری اتحادی اصولی با همه ی گروه های مبارزی که صادقانه و مصراانه خواهان حرکت دموکراتیک و پیش رونده به سوی آزادی ها و

آگاهی های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می باشند، هستیم...”

یکی از مسئولین اتحادیه، در جلسه ای اعلام کرد که هنوز نتوانسته اند برای اتحادیه، اجازه ی ثبت بگیرند. همچنین برای یافتن محلی به عنوان محل



دائمی، دچار مشکل هستند. ارگان این اتحادیه “سپیده سرخ” بود که در تاریخ ۳۰ مرداد ۵۸ توقیف شد.

### اتحاد ملی زنان

۸ فروردین ۵۸ هیات مؤسس “اتحاد ملی زنان” با انتشار بیانیه ای اعلام موجودیت کرد. در ابتدای بیانیه، به مبارزات زنانی مانند محبوبه متحدین، مرضیه احمدی اسکویی، فاطمه امینی، مهرنوش



زنان بیکار شده ی کارگر، سخنرانی را که از “ستم مظاعف” حرف می زد، چند بار تحسین کردند.

شده و در ادامه، خط مشی گروه، این گونه عنوان گردیده است:

“با هیچ یک از نیروهای سیاسی و گروه های وابسته به چین و شوروی همکاری نمی کنیم. با هیچ یک از گروه هایی که زنان را در مقابل نیروهای مبارز قرار می دهند و یا با گروه های ارتجاعی، که در مواقع حساس زنان را در جهت مسایل انحرافی و فرعی بسیج می کنند، همکاری نمی کنیم. آمادگی خود را برای همکاری با نیروهای دموکراتیک ملی و مستقل، صرف نظر از اعتقادات ایدئولوژیکی و دینی اعلام می کنیم. خواهان سهم شدن در تدوین کلیه قوانین مملکتی، خاصه مقررات مربوط به خانواده و کار هستیم. مبارزه با امپریالیسم را از اساسی ترین اهداف خود می دانیم.”

در انتها آمده که این منشور، حاصل بحث آزادی است که در تاریخ ۱۲ و ۲۱ اسفند، در مدرسه عالی شمیران و تالار فردوسی دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران، برگزار شد. یک شماره تلفن هم برای تماس علاقه مندان ذکر شده است.

نشریه “برابری” ارگان این سازمان بود که اولین شماره اش، با شعری از لاهوتی آغاز می شد: باید همه جا قرین شود زن با مرد

بیکار در این جهان نماند یک فرد

آسان که به هر کسی بگویی: بیکار

دعوی شرف کند، بگیرد از درد

اتحاد ملی زنان، سوم آذر در رشت

در طی برگزاری یک برنامه

سخنرانی و نمایش فیلم اعلام

موجودیت کرد. عاطفه گرگین

همسر خسرو گلسخی، در باره

زنان و نقش تعیین کننده آنها در

تولید اجتماعی و مبارزات خلق

های قهرمان ایران، مطالبی بیان کرد.

در ۲۲ مرداد، اتحاد ملی زنان طی

بیانیه ای، به اظهارات اشرف پهلوی

پاسخ داد و پیشنهاد کرد که: “برای از بین بردن

این قبیل زمینه های تبلیغات زهر آگین و گرفتن

بهبانه از دست دشمنان انقلاب، به مواردی از قبیل

ابراهیمی، زهرا قلعهکی، اعظم روحی آهنگران و

همین طور زنانی که در ۱۷ شهریور کشته شدند،

مانند کبری صفا، نسرین امین و میترا دقیق، اشاره

محرومیت زنان از قضاوت و لغو دادگاه های خانواده که خود به خود محدودیت حقوق زنان جامعه ما را به همراه دارد، فوراً چاره اندیشه کنند

و اجازه ندهند زنان، این نیروی فعالی نیمی از جامعه، عملاً از جریان فعالیت های جامعه و سازندگی دور بمانند یا حقوق برحق شان ضایع شود.

### جمعیت بیداری زنان

“جمعیت بیداری زنان” در سال ۱۳۳۹ برای بدست آوردن تساوی کامل

حقوقی زنان کشور در همه ی زمینه ها و مبارزه با مفاسد اخلاقی و بهبود وضع خانواده تاسیس شد. کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان، در اواسط دی ماه ۱۳۵۷ به وسیله ی تعدادی از زنان آزادی خواه تشکیل شد. در نشریه شماره ی ۲ در مورد اهداف این جمعیت چنین نوشته شده است:

“هدف ایجاد تشکیلات سراسری زنان ایران است. تشکیلاتی که از نظر شکل، دموکراتیک، مستقل از احزاب سیاسی و در برگیرنده ی وسیع ترین جمع زنان باشد و از نظر محتوای سیاسی، سازمانی ضد امپریالیستی و دموکراتیک و منعکس کننده ی

خواست های به حق انقلابی اکثریت مردم این سرزمین باشد...”

به توضیح این جمعیت، دعوت این کمیته برای اتحاد زنان، شامل آن دسته از زنانی نمی شود که به جای دنبال کردن یک خط مشی انقلابی، دنبال آزادی بی بند و بار و عقب مانده جوامع سرمایه داری اروپا و آمریکا

هستند. در ضمن، این جمعیت معتقد است که زنان نمی توانند خود را از قید اسارت و بردگی رها کنند، مگر اینکه همراه سایر گروه ها برای رهایی جامعه از قید ارتجاع و امپریالیسم کوشش کنند (نه آن دسته جریانات و دسته هایی که زنان را به مشکل شدن گرد خواسته های محدود

اقتصادی، صنفی و پرداختن به امور زنان می خوانند).

این جمعیت، نشریه ای به نام “بیداری زن” منتشر



می کرد. در شماره ی ۶ این نشریه، از دولت خواسته شده بود که در موضع نادرست و سست خود در قبال حقوق زنان، تجدیدنظر کند و خواست های زنان زحمتکش را فوراً به مرحله اجرا در آورد. همچنین این جمعیت در مورد مساله کردستان، دولت را مقصر می دانست.

### کمیته زنان مبارز

این کمیته حدود فروردین ماه فعالیت خود را در شیراز آغاز کرد. کمیته در نشریه شماره ۳ در معرفی خود چنین نوشت:

مبارز ایران را در خود بسیج کند، گام هایی بردارد و به خاطر دست یابی به حقوق حقه زنان زحمت کش، مبارزه ای متشکل و آگاهانه را در محدوده ی فعالیت های خود، به راه اندازد...

کمیته به موازین جنبش دموکراتیک در کل، معتقد است. این موازین در این زمینه ها خلاصه می شود:

۱- دفاع مشروط از دولت ملی بازرگان

۲- ایجاد یک جمهوری دموکراتیک و ملی، که در آن تمام آزادی های

دموکراتیک چون آزادی قلم، بیان، اجتماعات و اعتصابات و احزاب، ملیت، مذهب و آزادی زنان تضمین گردد.

۳- ملی کردن بانک ها و کلیه صنایع وابسته، معادن و تمام موسسات امپریالیستی

۴- حل مساله ارضی به دست دهقانان، از طریق تقسیم رایگان زمین بین دهقانان بی زمین

۵- دفاع بدون قید و شرط از تمام جنبش های آزادی بخش در اقصی نقاط جهان

۶- برخورد با ارتجاع و سیستم امپریالیسم جهانی و سلطه ی آن

۷- خط کشی قاطع با مشی و

برنامه ها و اهداف کمیته مرکزی حزب توده، به عنوان عمده ترین خطر برای جنبش دموکراتیک و نیز خط کشی با جریان های سازش کاری که اشاعه دهنده ی برنامه های ضد انقلابی جمهوری توده ای چین، در درون جنبش خلق های ما می باشند.



زن کارگری از دولت می خواهد به وضع کارگران رسیدگی بکند: دولت موقت ایران می داند که همین کارگران با اعتصاب ها و طغیان های خود، سقوط پیشین را تسریع کردند.

ارگان این کمیته، نشریه “پیکار زن” بود. (این گونه دیدگاه های غلط، که به سازمان ها و گروه هایی حمله می کرد که در حکومت و قدرت نبودند، و یا یکی از اهداف خود را مقابله با سیاست های آنان قرار می داد، یکی از انحرافات بود که در آن سالها ضربات بسیاری به جنبش

“خواسته ها و اهداف کمیته زنان مبارز، از خواست های زنان مبارز و زحمت کش ایران و همچنین تمام خلق های ایران، اعم از زن و مرد و پیر و جوان جدا نمی باشد. کمیته زنان مبارز، باید در راه به وجود آمدن سازمان سراسری زنان، که اکثریت قریب به اتفاق زنان زحمت کش و

انقلابی مردم ایران زد. حزب توده نیز همین سیاست را در پیش گرفته بود. این گونه تفکرات انحرافی، نیاز به آسیب شناسی خاص دارد که امیدواریم در جای دیگری به آن پرداخته شود.

جامعه زنان مبارز سقز (کوی مارفغانی-  
تکوشه‌ری سقز)

### جامعه ی زنان مبارز سقز

“جامعه ی زنان مبارز سقز” حدود اردیبهشت ماه ۵۷ تشکیل شد. اهداف این جامعه عبارتند بود از:

- ۱- تشکیل یک جمهوری دموکراتیک
- ۲- تشکیل شوراهای کارگری که ناظر بر امر تولید و توزیع کالاهای کارخانه ها باشد
- ۳- تشکیل شوراهای دهقانی و تقسیم زمین ها
- ۴- خود مختاری و حق تعیین سرنوشت برای تمام خلق های ایران
- ۵- برابری زن و مرد در مسایل

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

برنامه های این جامعه شامل این موارد بود:

- ۱- بررسی مشکلات زنان روستایی و زنان کارگر، زنان شاغل و خانه دار
- ۲- آموزش تئوریک اعضا در زمینه ی فلسفه، تاریخ و اقتصاد
- ۳- سواد آموزی زنان بیسواد
- ۴- ارتباط با سایر جمعیت های زنان
- ۵- مبارزات صنفی در جهت تامین امکانات رفاهی در دوران بارداری و

پس از زایمان و مهد کودک برای زنان شاغل و کارگر و زحمتکش

۶- تشکیل شوراهای محلی زنان

۷- کوشش در راه ایجاد کلاسهای آموزش نظامی شرایط عضویت در این جامعه:

“عدم وابستگی به هیچ حزب و سازمانی که وابسته به خارج باشد، قبول اهداف جامعه، سن بالاتر از ۱۶ سال و صلاحیت سیاسی و اجتماعی”

### انجمن رهایی زنان

در منشور این انجمن می خوانیم که:

“چون نهادهای عقب گرایی که آزادی های زنان و

حق شرکت آنان را در ساختن فردای جامعه محدود می کند، خود ناشی از نهادهای استثماری در جوامع طبقاتی است، مبارزات زنان میهن ما در راه برقراری آزادی و حقوق مساوی، نباید و نمی تواند از مبارزات کلی ما برای استقرار جامعه ای خالی از استثمار انسان از انسان، جدا باشد.”

اصول انجمن، تساوی حقوق زن و مرد در تمام شئون جامعه و همکاری با تمام سازمان ها و گروه های انقلابی است.

اهداف انجمن شامل موارد زیر می باشد:

مبارزه برای در هم شکستن کلیه پایه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ارتجاع داخلی و امپریالیسم، که نخستین شرط برای رسیدن به آزادی واقعی زنان می باشد؛ اشاعه فرهنگ انقلابی، دفاع از حقانیت شوراها و اتحادیه های زنان و...

انجمن ها اشاره می کنیم.

### تشکیلات دموکراتیک زنان

این تشکیلات در سال ۳۶ تشکیل شد و می توان آن را سازمان زنان حزب توده محسوب کرد. اطلاعیه های این تشکل، هماهنگ با سیاست های حزب توده و در راستای حمایت از جمهوری اسلامی بود.

این تشکیلات، در اطلاعیه ای در استقبال از دعوت آیت ا... خمینی، مبنی بر بسیج همگانی علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، خاطر نشان کرده بود:

“ما زنان و مادران آماده ایم تا در مقابله با هر گونه تجاوز امپریالیسم آمریکا، آموزش نظامی بگیریم و مسلح شویم و تا پای جان، از انقلاب اسلامی خود دفاع کنیم.”

در ۵ آذر، در بیانیه ای دیگر، بر موارد زیر تاکید کرده بود:

“کوشش خود را صرف پیروزی انقلاب می کنیم... گروه هایی برای دفاع از حقوق زن، قانون اساسی را مورد انتقاد قرار داده اند، البته اینکار در زمان مناسب درست است. آنها می خواهند که موضوع زن را در این موقعیت مطرح کنند. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، با ۳۶ سال سابقه مبارزه در راه احقاق حقوق



تظاهرات کارگران بیکار در تهران

زنان، به خوبی به نقایص قانون اساسی و به خصوص مواد مربوط به زن واقف است، اما ما بر آنیم که امروز مردم ایران، اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک، باید در یک جبهه واحد همگام شوند تا در درجه اول، سلطه دشمن بزرگ ایران، امپریالیسم جهانی، به خصوص آمریکا راه از کشور خود ریشه کن سازند تا بتوانند ایرانی آباد و آزاد بسازند.”

در پایان بیانیه آمده بود:

“ما امروز هر حرکت و هر گفتاری را که به انقلاب آسیب برساند، برخلاف مسیر ملت می دانیم و کوشش می کنیم که هماهنگ و همگام با

\*\*\*  
اتحادیه دموکراتیک زنان، جمعیت زنان دموکرات، زنان عدالت خواه، اتحادیه زنان کردستان، سازمان زنان جبهه ملی و جمعیت زنان ایران، از دیگر سازمان ها و تشکل هایی بودند که پس از انقلاب فعالیت می کردند. بسیاری از این سازمان ها، اهداف خود را مبارزه علیه ارتجاع و ستم طبقاتی می دانستند و در این راه تلاش بسیار می کردند.

برخی دیگر نیز در راستای تحکیم حکومت جمهوری اسلامی تلاش داشتند و در این مسیر، در مقابل سایر تشکل ها و انجمن های انقلابی زنان قرار می گرفتند. در ادامه، به برخی از این

دیگر خواهران و برادران خویش، قدم برداریم."

### جمعیت زنان ایران

این جمعیت نیز، آزادی زن را در گرو آزادی کل جامعه می دانست. مدعی بود برای متشکل کردن زنان زحمت کش ایجاد شده و اهداف زیر را دنبال می کرد:

"مبارزه برای حفظ استقلال کامل کشور، قطع نفوذ و مداخلات کلیه ی امپریالیست ها به ویژه امریکا و شوروی از ایران، پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب تحت رهبری امام خمینی، تشویق و بسیج

زنان برای شرکت در امر نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ایجاد شرایط مناسب برای شرکت زنان در این امر و مبارزه علیه افکار و قید و بندهایی که مانع شرکت زنان در امور

جامعه می شود، وضع قوانین عادلانه و برابر برای تامین حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، تحکیم خانواده و مبارزه با فرهنگ استعماری و دیگر ریشه های اقتصادی و اجتماعی فساد و فحشا، کمک به باسواد نمودن زنان، حمایت از کودکان به خصوص در میان زحمتکشان".  
ارگان این جمعیت نشریه "۱۷ شهریور" بود.

### جامعه ی انقلاب اسلامی زنان

این تشکل توسط اعظم طالقانی پایه گذاری شده بود و نشریه آن "پیام هاجر" تا سالها منتشر می شد.

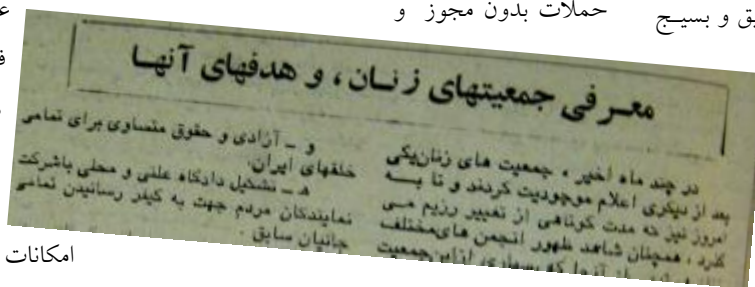
در ششم آذر ماه، جامعه زنان انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای نظر خود را در مورد قانون اساسی و مواردی که مربوط به زنان است، آورده بود، از جمله در مورد مساله ریاست جمهوری زنان، حق ولایت و قیمومیت فرزندان و... عنوان بیانیه این بود: "جای نظام توحیدی و برابری زن و مرد در قانون اساسی خالی است".

این جامعه در ۳۰ آبان پیامی به زنان آزاده امریکا داد. در این پیام که توسط اعظم طالقانی و از طرف جامعه زنان انقلاب اسلامی به نگارش در آمد، از زنان آمریکا خواسته شده بود که زنان ایران را در به دست آوردن حقوق حقه انسانی یاری

نمایند و خواهان استرداد شاه شده بود.

در ۱۶ بهمن سمینار دو روزه ای به دعوت این جامعه، با حضور اعظم طالقانی، منیره گرجی و مریم بهروزی در حسینیه ارشاد تشکیل شد. در قطعنامه سمینار، از زنان کشور دعوت شده بود که با اعتیاد، فحشا و سرگردانی زنان، که میراث شوم رژیم مغفور شاهنشاهی است، به مبارزه برخیزند.

همچنین در این قطعنامه، آزادی بیان و فعالیت برای گروه های سیاسی، درخواست شده و حملات بدون مجوز و



دلیل، محکوم شده بود.

### جمعیت مادران مسلمان

در ۱۳ شهریور ۵۸، "جمعیت مادران مسلمان" طی اطلاعیه ای، با اشاره به نطق گلایه آمیز مهندس بازرگان، از وی پشتیبانی کرده و از انتخاب وی به عنوان رییس جمهور آینده ایران، صحبت به میان آورده بودند.

\*\*\*

تلاش های زیادی برای ایجاد اتحاد و همکاری بین سازمان هایی که در زمینه احقاق حقوق زنان فعالیت می کردند، صورت گرفت. در ۲۵ مهر، طی بیانیه ای از طرف کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی، زنان دعوت به تشکل و وحدت شدند.

در این بیانیه آمده بود:

"یکی از راه های نفوذ امپریالیسم در کشورهای تحت ستم... تقسیم جامعه به دو بخش زن و مرد و سلب مستمر حقوق حقه مدنی و اجتماعی آنان، و جلوگیری از رشد فرهنگی این توده های به ظاهر جداست. دو بخشی که در حقیقت دو بازوی سازنده اجتماع هستند...

اتحاد زنان میهن ما، صرف نظر از دیدگاه های خاص ایدئولوژیک و صرفا بر مبنای مضامین

مشترک و متحدی چون آزادی خواهی و ترقی طلبی و استقلال و ایستادگی علیه امپریالیسم و پیکار برای تعالی همه جانبه ملی، ضرورتی محسوس است. از این رو کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی، از کلیه سازمان ها، نیروها و شخصیت های مترقی مستقل و ملی زنان ایران، دعوت می کند به منظور پی ریزی و تقویت پهنه های وحدت، دست یاری به هم دهند.

بدیهی است که برادران همزم ما، در این کوشش عمومی برای احقاق حقوق سیاسی،

فرهنگی و اجتماعی برابر، با ما همکاری خواهند کرد. کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی، این اقدام را وظیفه ی خود می داند و همه امکانات و قوای خود را در خدمت بی قید و

شرط برای انجام این همگرایی و گردهمایی خواهد گذارد."

در ۲۶ آبان ماه، خبری مبنی بر تشکیل کنفرانس مشترک زنان در روزنامه اطلاعات چاپ شده بود. گروه هایی از سازمان های مختلف زنان، تحت عنوان "کمیته همبستگی زنان برای برگزاری کنفرانس مشترک" اولین بیانیه خود را انتشار داده بودند. در ابتدای این بیانیه، بر نقش زنان در انقلاب تاکید شده و در ادامه آمده بود:

"لیکن امروز با کمال تاسف می بینیم که نه تنها قدمی در جهت باز گرداندن حقوق و حرمت از دست رفته زنان برداشته نشده، بلکه اقدامات و قوانین و مصوبات حاکم، تنها در جهت محدود ساختن هر چه بیشتر زنان، تثبیت نابرابری آنان و حتا باز پس گرفتن حقوق ناچیز گذشته، جریان داشته است...

ما با این امید که زمینه اتحاد و همبستگی گروه های مترقی زنان را، جهت هماهنگ ساختن فعالیت های آنان بوجود آوریم و از مزایای تلاش دسته جمعی به سود مبارزه بهره گیریم، تدارک برگزاری کنفرانس مشترکی را، در دفاع از حقوق زنان، ضروری می بینیم و از همه دعوت می کنیم در مبارزات زنان ایران علیه ستم، نابرابری، استثمار و ارتجاع، با ما همگام شوند."

## نظرات گروه های چپ در مورد مسایل زنان

۱۸ تیر ۵۸

مقاله ای در نشریه "اتحاد چپ" با عنوان "زن ها انسان های درجه دو نیستند" در ستون "از میان مطبوعات" آیدگان چاپ شده است. در این مقاله می خوانیم:

"نداشتن استقلال مادی زن، تنها حاکمیت بلامنازع مرد را تامین می کند."

روزی نمی گذرد که ما شاهد نقض ابتدایی ترین حقوق زنان و در نتیجه اعتراضات آنها نباشیم. زیرا "محور جمهوری اسلامی ما، در اعتلای مقام زن است" (دکتر یداله سبحانی وزیر مشاور در امور طرح های انقلاب) و هم از این رو بود که دولت

انقلابی تصویب لایحه الغای حقوق زنان راه از ابتدایی ترین وظایف خود دانسته و آن را بلاواسطه جزء اولین برنامه های خود قرار داد و به یک باره در روز شنبه ۱۲ اسفند، از صدور حکم قضاوت و وکالت برای زنان جلوگیری نموده و برای برابری زنان و مردان، فاتحه الحمد خواند و اینها همه به این بهانه که قضاوت و وکالت به عنوان

فعالیت های پست اجتماعی، فقط برای مردان پیش بینی شده و برای زنان، وظایف متعالی تری در نظر گرفته شده است.

جمهوری اسلامی اصولا کار و فعالیت های اجتماعی را مادون شخصیتی زن می داند. زیرا "ما می خواهیم مقام زن والا باشد و نه آن چیزی که تا به حال به نام حقوق زن، درمورد زنان اجرا می شد" (سحابی) و هر که جز این بگوید ضد انقلاب است. البته اگر مضمون انقلاب، تبعید زنان به گوشه آشپزخانه و تبدیل آنها به ماشین های بی اختیار "بچه سازی" باشد، ضدیت با این مضمون انقلاب، نه فقط ننگ نیست که افتخار هم دارد.

ما معتقدیم که به رسمیت نشناختن حقوق زنان به عنوان اعضای متساوی الحقوق جامعه، زنان را به اعضای درجه دوم تنزل داده و جامعه را متکی بر

امتیازات مردان و مردسالاری و پدرشاهی می کند و مقام زن را به سطح برده ای بلادفاع تنزل می دهد. حال سوال ما این است که چه فرق است بین حکومت افریقای جنوبی نژادپرست با حکومتی که با اتکا بر امتیازات جنسی بنا شده است؟ آیا تبعیض نژادی از تبعیض جنسی ظالمانه تر است؟ آیا اختلاف قایل شدن بین فرزند یک نفر سیاه پوست با فرزند یک نفر سفید پوست، احمقانه تر و مضحک تر است یا اختلاف بین یک خواهر و برادر قایل شدن و اصولا چه اختلافی بین تبعیض نژادی و تبعیض جنسی وجود دارد؟ مگر در مورد حق انتخاب محل



سکونت واحد زن و مرد، که تازه آن هم به خاطر ذات امر و نقش زن صورت می گیرد، زیرا "زن اساس اصالت خانواده را تامین می کند" (سحابی) ما سوال می کنیم آیا این اصالت خانواده، در اصالت بندگی زن خلاصه نمی شود؟

سیاست دولت انقلابی در این خلاصه می شود که زنان را به تدریج از کلیه مشاغل و فعالیت های اجتماعی طرد کرده و آنها را در محدوده ی تنگ خانه و سنت های پوسیده به بند کشیده و آنان را بدون اینکه از کوچکترین حقی برخوردار باشند به ماشین تولید مثل و کنیز مرد تبدیل نماید که البته زمینه مادی این وابستگی نیز، در سطوح مختلف تدارک دیده شده است.

یکی از این طریق که حق طلاق به طور یک جانبه به مرد تفویض گشته و زنان عملا از تعیین حق

سرنوشت خود محروم شده اند. دیگر اینکه با پایین آوردن قابلیت سنی ازدواج به ۱۳ سال، عملا حق آموزش و دیدن دوره های تخصصی از زنان سلب شده است. خاصه اینکه تحصیل زنان متأهل نیز در مدارس روزانه ممنوع گردیده است. اینها همه و همه هیچ هدفی غیر از تحکیم وابستگی زن به مرد ندارد. زیرا عدم وجود چشم انداز استقلال مادی زن، تنها و تنها حاکمیت بلامنازع مرد را تضمین می کند.

و حال این سیاست "مردانه" جمهوری اسلامی که هدفی غیر از جلوگیری از هر نوع فعالیت اجتماعی و پرورش شخصیت اجتماعی و

سیاسی زن ندارد، می باید از طریق مواد قانون اساسی، شکلی به اصطلاح قانونی یافته و مثلا ابدی شود. غافل از اینکه اگر مواد قانون برای همیشه مانع رشد و بلوغ فکری انسان ها می شد، "آفتاب بی غروب شاهنشاهی" نیز هیچ گاه در این مرز و بوم غروب نمی کرد و آن جرثومه ی خیانت و جنایت، امروزه در اقصی نقاط جهان در به در و آواره نمی گشت. ما در شماره های آینده به تفصیل در این مورد سخن خواهیم گفت...

### ۴ مرداد ۵۸

رقیه دانشگری، کاندیدای سازمان چریک های فدایی خلق در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، در گرد هم آیی معرفی کاندیداهای سازمان، چنین گفت:

"شاید در شرایط کنونی، با وضعیتی که نیروهای حاکمه برای زنان پیش آورده اند، شرکت یک زن به عنوان کاندیدای انتخابات مجلس خبرگان تعجب آور باشد. چرا که زنان کشورمان بعد از قیام، برخلاف انتظارشان با موانعی از جانب حاکمیت موجود در جهت مخالفت از شرکت

سازنده و فعال شان در پاره ای از فعالیت های اجتماعی روبرو شده اند.

وی سپس به اصل ۲۲ پیش نویس قانون اساسی اشاره کرد که در آن به تساوی زنان و مردان در برابر قانون اشاره شده بود و چنین ادامه داد:

“برابری در برابر کدام قانون؟ قانونی که شرکت فعالانه زنان را در پاره ای از فعالیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منع می کند؟ قانونی که اصل تعدد زوجات برای مرد را محترم می شمارد؟ قانونی که حق گزینش همسر و یا طلاق

را یک جانبه و به نفع مرد، حل می کند؟ قانونی که حق بهره برداری از ارث را برای مردان دو برابر زنان قایل می شود و قدر حقیقت دو زن را برابر یک مرد می داند؟ قانونی که از زن فقط یک موجود خانه نشین می سازد و این را احترام به حق زن تلقی می کند؟

این قانون از اساس برابری را نقض کرده است. پس برابری در مقابل چنین قانون نابرابری چه معنایی دارد؟ رعایت برابری زن و مرد در قانون اساسی یک کشور، بر پایه ی برابری حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آنان باید پایه ریزی شود.

هر نوع تقسیم بندی افراد یک جامعه بر اساس جنسیت و یا نژاد، تقسیمی تفرقه افکنانه در جهت حفظ منافع سرمایه داری و برای سرپوش گذاشتن روی تقسیمات طبقاتی جامعه است. افراد در یک جامعه ی طبقاتی،

چه زن و چه مرد، به دو قطب بهره کش و بهره ده تقسیم می شوند و حفظ حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، جز از طریق نابودی نظام استعماری در کشور ما و به ویژه محو کامل امپریالیسم، ناممکن است.

زنان زحمت کش جامعه ما، نیمی از جمعیت فعال زنان کشورمان را تشکیل می دهند و پا به پای مردان زحمت کش، در صحنه های تولید، سازندگی اجتماعی و مبارزات خونین اجتماعی، شرکت سازنده و فعال داشته و دارند.

زنان کارگر ما می پرسند آیا این ما نیستیم که در به گردش در آوردن چرخ های سنگین اقتصادی کشور، سهم مهمی به عهده داریم؟

زنان کشاورز ما می گویند این دستان توانای ماست که در حرکت چرخ های اقتصادی کشور، یاران کارگرممان را قدرت می بخشد.

زنان زحمت کش شهر و روستای ما، یک صدا فریاد می زنند این ماییم که در خانه وظیفه ی نگهداری از فرزند را، که نیروی تولید آینده است،



و اداره ی امور خانه را با تمام مشکلات اقتصادی و فرهنگی اش، به دوش می کشیم و در خارج از خانه، زیر بار سنگین بهره کشی با تحمل حقارت زن بودن، که ارمغان جامعه ی طبقاتی است، له می شویم.

پس این حق طبیعی ماست که از حقوق کاملاً مساوی با مردان، در زمینه های گوناگون فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار باشیم. کنار گذاشتن زن از فعالیت های اقتصادی یعنی نابودی حقوق و ارزش اجتماعی

او.

وی در انتها به اصل ۱۲ پیش نویس قانون اساسی اشاره کرد. در این اصل آمده بود:

“از آنجا که تربیت فرزندان با پدر و مادر و در دوران کودکی، بیشتر با مادر است، تعلیم و تربیت دختران، وظیفه ی مقدم بنیادهای فرهنگی تلقی می شود و قوانین مراجع به خانواده، باید برای مادر امکانات مادی و معنوی در نظر بگیرد تا بتواند با فراغت بال، به وظیفه ی پراچ مادری

و مسوولیت هایی بپردازد که در جامعه ی انقلابی اسلامی برعهده دارد.”

دانشگر عنوان نمود که این اصل، به وضوح جدا کردن زن و مرد بر مبنای جنسیت و سوق دادن زنان به کارهای خانگی و تبدیل آنان به موجوداتی جدا از فعالیت اجتماعی را نشان می دهد... چراکه اگر جز این بود، باید برآورده کردن نیازهای مالی و معنوی زنان را، در دوران بارداری، شیر دادن و نگهداری از فرزند، جدا از فعالیت های اجتماعی آنان مورد بررسی قرار می داد و حقوقی ویژه برای زنان قایل می شد، مثلاً حق استفاده از مرخصی دوران بارداری، حق استفاده از شیرخوارگاه و مهد کودک...

## ۵ اسفند ۵۷

در بند ۸ قطعنامه شرکت کنندگان در اجتماع سازمان چریک های فدایی خلق ایران، به مساله زنان پرداخته شده بود:

“رژیم های ارتجاعی گذشته، زنان را که نیمی از نیروی جامعه هستند، در وضعی بسیار نامناسب قرار داده است. باید زنان و مردان در همه ی زمینه ها و شئون اجتماعی برابر باشند و هر نوع قانون و مقررات خلاف این اصل، بی درنگ باید ملغی شود.”

# افزایش محرومیت ها و تبعیض های اجتماعی

## حجاب اجباری

بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ فشارها بر زنان آغاز شد. تحمیل حجاب به زنان یکی از مسایلی بود که موضوع اعتراضات زنان در این سال بود. این اعتراض و مقاومت به شکل های مختلف صورت می گرفت. ۸ مارس ۵۷ تبدیل شد به تظاهرات عظیمی در مخالفت با حجاب اجباری.

منصوره کفایی، ۱۸ اردیبهشت ۵۸ نامه ای به *آیندگان* نوشت با عنوان «مساله ی زنان و آنان که کاسه ی گرمتر از آتش هستند» و به

فشارهایی اشاره کرد که برای تحمیل حجاب به زنان وارد می شد. در بخشی از این نامه چنین آمده بود:

«با وجودی که قبلا نوید داده می شد حقوق اجتماعی زنان (نه حقوق اداره و به روایتی مواجب) در دوران جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر از دوران آریامهری خواهد بود، حالیه که به لطف الهی، حکومت مردم بر مردم جایگزین حکومت فرد بر مردم شده، عملا گروهی از مردان مبارز، چنان جبهه ی خود را از جامعه نسوان مبارز جدا نموده اند که پنداری زنان ایرانی در کوران مبارزات،

نه دست به اعتصاب زده، نه راه پیمایی کرده و نه اینکه دوشادوش مردان، شهید داده اند و نه در زندان های مخوف رژیم گذشته، مورد وقیحانه ترین شکنجه ها قرار گرفته اند.

صرف نظر از هياهو حجاب، که مسلما دليل نجات يك زن، پارچه اضافی نمی تواند باشد، این روزها ما زنان اداری، که شغل خارج از چارچوب منزل را، صرفا به خاطر مدد معاش انتخاب کرده ایم، شاهد عکس العمل های نوظهوری هستیم که کم کم جنبه ی مخالف خوانی و جبهه گیری را از دست داده و صورت توهین به خود گرفته است...»

## منع از دخالت در سیاست

نمونه ای از محدودیت های ایجاد شده برای زنان، در مقاله ای که ۱۰ تیر ۵۸ در *آیندگان* به چاپ رسید، آمده بود. عنوان مطلب، «سیاست بدون روزنامه نگاران و زنان» بود. در این مقاله آمده بود: «در ابتدای هفته گذشته (هفته ی اول تیر ماه) اعلام شد که وزیر امور خارجه، نمایندگان همه ی گروه های سیاسی را به جلسه ای برای تبادل نظر در مورد مسایل سیاست خارجی، به آن وزراتخانه

سیاست کاری داشته باشند؟ ... شمار زنانی که اکنون در سیاست اند، کم نیستند... سازمان های سیاسی مردمی، باید به خود حق بدهند که جلسه های اسرار آمیز و مردانه را به رسمیت نشناسند و به احتمال زیاد، توضیح دهند که چگونه در نخستین معارفه با حکومت، پذیرفتند که زنان را پشت در بگذارند.»

این در حالی است که ۲۷ شهریور ۵۸، آیت ا. خمینی در ملاقاتی با اعضای مجتمع آموزشی طيبة پیراسته لنگرود، گفت:

«همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک ارث نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش اداره کشور و وضعی است که در کشور می گذرد و همه ی مردم این کشور در این معنا حق دارند، خانم ها حق دارند در سیاست دخالت کنند و تکلیف شان است...»

اول مهر ۵۸، در ملاقات با خواهران انجمن اسلامی تربت حیدریه، آیت ا. خمینی اعلام کرد که خانم ها باید در مسایل روز مداخله کنند و در نهم

مهر، در دیدار با گروهی از زنان شهرهای مشهد، آمل و آبادان، عنوان کرد که «در انقلاب ایران، زن ها پیشقدم بودند.»

## تعطیلی مدارس مختلط

با تعطیل شدن مدارس مختلط، والدین دانش آموزان مدارس مختلط، با مشکل ثبت نام برای سال تحصیلی آینده روبرو بودند و اعتراضات بسیاری را در مخالفت با این مساله انجام دادند. از جمله در ۲۶ تیر ۵۸ نمایندگان انجمن های خانه و مدرسه بیانیه ای با عنوان «جدا کردن دختران و پسران در مدارس مختلط، صلاح نیست» صادر کردند.



دعوت کرده است. چند روز بعد، جلسه را به معارفه تبدیل کردند، اما در ممنوعیت های آن تجدید نظری نشد: خبرنگاران و زنان داخل نشوند!»

دلیل ممنوعیت حضور خبرنگاران، اطلاع رسانی آنان عنوان شده بود، اما در مورد ممنوعیت ورود نمایندگان سازمان های زنان به جلسه ی وزارت امور خارجه، در آن مقاله این سوال مطرح شده بود:

«آقای وزیر امور خارجه و دیپلمات های وزارت خانه اش، با استناد به چه آیه، ماده ی قانونی و بخش نامه ای، اعتقاد دارند که زنان نباید با

در اجتماع روز بعد، این اولیا با نمایندگانی از اداره فرهنگ (اداره آموزش و پرورش) صحبت کردند اما با توضیحات آنان قانع نشدند. آنها عنوان کردند که تا به حال موفق نشده اند دانش آموزان شان را در جای دیگر ثبت نام کنند. در پی انحلال

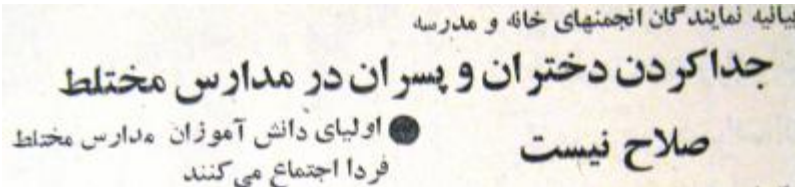
مدارس مختلط، اولیای این دانش آموزان نمایندگانی به منزل آیت الله طالقانی فرستادند تا نظری را در این مورد پرسسند که آیا

“تحصیل دختران و پسران کوچکتر از ۱۱ سال، در کنار هم منع شرعی دارد یا خیر؟”

در آیندگان ۸ مرداد ۵۸، مقاله ای با عنوان “فرهنگ آتش و پنبه را تزریق می کنید” به طرح تفکیک دانش آموزان دختر و پسر در مدارس مختلط اشاره و پیش بینی شده بود که این طرح، کمبود امکانات آموزشی را افزایش خواهد داد.

در جایی از مقاله آمده است: “در حالی که در جوامع امروز، زنان و مردان به طور اجتناب

ناپذیری در فعالیت های اجتماعی با یکدیگر سهیم هستند، آیا جدا کردن شان در کودکی، چند سال بعد آنان را با موجود عجیب الخلقه ای به نام جنس مخالف روبرو نخواهد کرد؟”



### ورزش زنان

ورزش یکی از حوزه هایی بود که محرومیت های اجتماعی برای زنان، زودتر از سایر حوزه ها آغاز شد. این مساله در حدی بود که مقالات متعددی در این باره در نشریات به چاپ می رسید.

۱۷ فروردین ۵۸ در مقاله ای با عنوان “در ورزش هم چنان خبری نیست دو راه داریم: تعطیل ورزش بانوان یا استفاده از مرد در ورزش بانوان” به مسایل ورزش زنان، از جمله شنا و کمبود

نجات غریق زن اشاره شده بود. در مقاله ی دیگری در ۲۰ فروردین، تحت عنوان “با کنار گذاشتن زنان در ورزش، نیمی از نیروی مان به هدر می رود”، بار دیگر به این مساله پرداخته شده بود.

۳۰ خرداد ۵۸، در گزارشی با عنوان “به این می گویند فکر بکر، عیال فراش مدرسه در نقش نجات غریق بانوان”، به استخری

تازه تاسیس اشاره شده که به دلیل اینکه نجات غریق زن نداشت، از پاسخگویی به زنان ناتوان بوده و در نتیجه برای جلوگیری از اعتراض زنانی که برای شنا در پشت درهای استخر گرد آمده بودند، از همسران سرایداران استخر خواسته بودند که نقش نجات غریق را بازی کنند. در این گزارش، به خطر غرق شدن برای زنانی که در چنین استخرهایی شنا می کردند، اشاره شده بود.



برای دریافت نشریه جهان نوین، از لینک زیر (آرشیو نشریه) استفاده کنید:

<http://Jahanenovin.4shared.com>

یا با ایمیل نشریه تماس بگیرید:

[jahanenovin@gmail.com](mailto:jahanenovin@gmail.com)

برای تبادل نظر با هیات تحریریه و یا ارسال مطالبتان برای انتشار در جهان نوین، با همین ایمیل تماس بگیرید.

مطالب نشریه، به تدریج در وبلاگ جهان نوین منتشر می شود. برای تبادل نظر جمعی، می-

توانید در این وبلاگ، نظراتتان را منتشر کنید:

<http://jahanenovin.blogspot.com>

در صورت امکان، جهان نوین را به ایمیل دوستان خود ارسال کنید.

این نسخه pdf جهان نوین، مناسب پرینت روی کاغذ A4 است. با پرینت و تکثیر نسخه کاغذی جهان نوین، می توانید طیف مخاطبان جهان نوین را گسترش دهید.